

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) د خارج از کشور

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۳ برابر ۲۷ آوریل ۱۹۸۴
پیا ۴۰ ریا - سال اول - شماره ۴

افزایش تولید به بهای تحکیم وابستگی و تشدید فشار بر کارگران

بنیادین ندارد - اکنون اینها هم می خواهند ساختار اقتصادی کشور را اساساً همان ساختار قبلی باشد و فقط در مناسبات روبنایی نقش برداشتهای ارتجاعی از عنصر مذهب بطور بقیه در صفحه ۴

"راهی را که این حکومت انتخاب کرده است راه تثبیت سرمایه داری وابسته و حفظ وابستگی کشور به سیستم جهانی امپریالیستی است - جامعه ای که اینها می خواهند بسازند با جامعه ای که شاه می خواست بسازد، تفاوت

مبارزات مطالباتی کارگران بر محور شعار افزایش دستمزد اوج میگیرد

که در عرصه اقتصادی گریبانگیر آن میباشند - به کارست شعار افزایش تولید به هر قیمت که اکنون به خواست سرمایه داران تبدیل گردیده - رو آورده بقیه در صفحه ۶

اکنون که جمهوری اسلامی چهار اسبسه بسوی تحکیم نظام سرمایه داری شتافته و ایران را جلوانگاه کلان سرمایه داران غارتگر کرده است و برای حل مشکلات و معضلاتی

حزب توده ها جاودانه می ماند

یکسال پیش در چنین روزهایی، یورش به تشکیلات حزب توده ایران آغاز گشت - حاکمان جمهوری اسلامی، با کمک سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی و با همکاری ساواکیهای بخدمت گرفته شده نوسلمان، یکی از کشیف ترین و شیرانه ترین جناپتها و خیانتهای خود را علیه پاکترین فرزندان خلق با انجام رساندند - پس از دستگیری رهبران حزب، یورش دوم به حزب توده ایران، این دژ کهنسال و پایدار استقلال و آزادی میهن، این سرسخت ترین مدافع حقوق زحمتکشان و محرومان با هجومی او با شانه و شیرانه آغاز گشت - هزاران نفر راهی فراموشخانه های جمهوری اسلامی شدند - دها نفر زیر شکنجه به شهادت رسیدند و یسا اعدام گشتند -

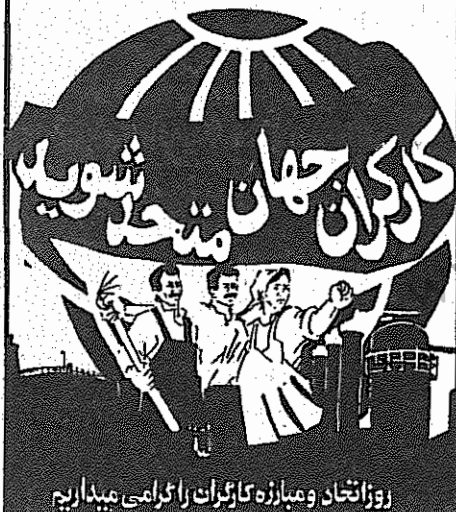
اکنون پس از گذشت یکسال و با فروشنستن گرد و خاک تبلیغاتی رژیم، پیش از پیش اهداف و نیات حاکمیت جمهوری اسلامی از ایمن یورش ددمنشانه آشکار می گردد -

سازمان ما از همان ابتدا، حمله به حزب را حمله به دستاوردهای انقلاب و تلاش برای تثبیت غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و برگشتن امپریالیسم به کشور با کمترین امکان مقاومت از سوی مردم ارزیابی نمود و اعلام کرد: "این موج سرکوب به هیچ وجه فقط علیه حزب توده ایران نیست جهت اصلی آن علیه همه هستی انقلاب است و هدف آن در سایه شوری ستیزی فرا هم کردن زمینه گسترش و باز سازی بقیه در صفحه ۲

پیا ای ماه مه!

بیش از ۹۳ بار این روز را جشن گرفته ایم - جشن؟ اگر بتوان به تظاهراتی که در رگبار گلوله سرمایه داران بخون می نشینند نام جشن نهاد - جشن؟ اگر بتوان به یورش زاندها و پلیسهای استعمارگران و سرکوب خونین آنان نام جشن نهاد - جشن؟ اگر بتوان به گلوله باران یورژوازی بر پیکر معدنچیان نام جشن نهاد - از شیکاگو تا کاستیلون پاریس، از پترزبورگ تا تهران بیش از ۹۳ بار جشن گرفته ایم - آمده ایم تا "داغ لعنت" سرمایه راز چهره برکنیم، آمده ایم تا "حقوق" خود را از استعمارگران روح و جان خویش بازستانیم - ما "اردوی پیشمار" کاریم "اردوی پیشمار" که هر روز جان خود را زیر چرخ دنده های سرمایه ریز می شود، اردوی پیشمار که چه بسیار رچه بسیار چاشما، دستها و پاها را در لای دنده های چرخ بزرگ سرمایه فدا کرده است - اردوی پیشمار "کسه آبدیده گشته، چنگیده و پیروز شده، بفر تارک همه تالشهای ما، کارگران متحد جهان، سوسیالیسم می درخشد و سرمایه داری معاصر فرو می باشد - جدا از یکاری یورژوازی، جنگ

۱۱ اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر -



روز اتحاد و مبارزه کارگران را اعلامی بیداریم

یورژوازی، قطعی و کرسنگی یورژوازی و دمکراسی یورژوازی، ما سازندگان این عصر، پروتاریای از بند رسته و درستیز، همعا با خلقهای پیروز و درستیز، این روز را، اول ماه مه را هر سال تا "روز نبرد قطعی" جشن خواهیم گرفت، جشن!

خاطره اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۶۰،
بزرگترین میتینگ تاریخ سازمان
در یادها جاودانه میماند

در صفحه ۷

افزایش قیمت کالاها و خدمات
برای تامین مخارج جنگ
در صفحه ۹
مجلس هماهنگ با
حاکمیت روبرو یافته از خلق
در صفحه ۲

جشن آغاز چهاردهمین
سال حیات انقلابی سازمان
در فلیپین

در صفحه ۵

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

حزب توده‌ها جاودانه می ماند

بقیه از صفحه اول

مناسبات با امپریالیسم است" سیریلدی و قسایح درستی این ارزیابی را بروشنی به اثبات رساند. انعقاد دشتابناک قراردادهای غارتگرانه کلان با انحصارات امپریالیستی، پیش از پیش باز گذاشتن دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان زالوصفت در غارت و چپاول زحمتکشان شهر و روستا، و خاتم اسفناک زندگی زحمتکشان، تشدید اختناق و پایمال کردن حقوق صنفی و سیاسی توده های مردم، تشدید جنگ افروزیهای جنون آمیز حکومت همه و همه نشانه های این امر است.

آخر مگر میشود "تجار محترم" "استوانه های انقلاب" باشند اما پیگیرترین مدافع ملی شدن تجارت خارجی سرکوب نشود؟ مگر میشود بر سندهای دست دهقانان مهر باطل بخورد و سندهای شرعی و آریامهری اعتبار بیابد اما حزبی که شعار اجرای "بند چود" مصوبه های شورای انقلاب را به نیروی مادی در میان توده ها تبدیل کرده است به زیر تازیانه های "تعزیر" برده نشود. مگر می شود به همه هدافان انقلاب بهمن خیانت کرد اما مدافعان شعار استقلال آزادی، عدالت اجتماعی سرکوب نشوند. مگر می شود جنگ این عفریت خانمان سوز ایران بریادده راجون آساده داد، اما صدای طالبان صلح و قطع جنگ را خاموش ساخت. بالاخره مگر می شود راه دوستی با امپریالیسم جهانی را پیمود اما سنگسار پرشورترین میهن پرستان را بخون نکشید و آنرا چون کفاره گناهان گذشته به درگاه خدایان سرمایه تقدیم نکرد؟

بی جهت نیست که خامنه ای رئیس جمهور مدتی بعد در دیدار با سفیران کارداران خارجی اعلام می کند "قدرتهای بزرگی که در شورای امنیت عضویت دارند باید بتوانند باردیگر حسن ظن ما را جلب کنند" و برای حصول اطمینان خاطر مخاطبین خود که منظوری از "قدرتهای بزرگ" کدامند تا کید می کنند که: "ما با گروههایی که در داخل در صد زمینه سازی برای نفوذهایی بودند برخورد کردیم و آخرین نمونه آن حزب توده است و باید بگویم حزب کمونیست ایران بود. مجازات اینگونه افراد براساس قوانین ما بالاترین مجازاتهاست." به بیان صریحتر خامنه ای می گوید بدانید که مسامحه سخت ترین دشمنان شما را به بالاترین مجازاتها رسانده ایم و می رسانیم، بپذیرید

این قربانیها را! در کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در ویلیامز بورگ رسا اقدامات مثبت جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به غرب تأیید شد.

یورش به تشکیلات حزب توده ایران در هفتم اردیبهشت و متعاقب آن نمایشهای تلویزیونی شلاق و شکنجه در اول ماه مه دقیقاً از نظر زمانی نیز حساب شده پیوسته رژیم که می دید اعتبار و نفوذ حزب توده ایران و جنبش کمونیستی در میان طبقه کارگر ایران روز بروز گسترش می یابد. و مشی حزب توده ایران بعنوان یگانه مشی درست در انقلاب شناخته شده و باستانی دم افزون در میان توده ها نفوذ می کند و بعینه تشخیص می داد که اگر همین وضع ادامه یابد در شدن ساز مردم حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" را پناهگاه مردم خواهد کرد این توطئه کف را بارز یلانه ترین شیوه ها در مورد حزب توده ایران اجرا و برای سازمان متدارک دید. البته که حاکمان کارگرسدیز جمهوری اسلامی آنان که بدگی درگاه سرمایه را پذیرفته اند می بایست که چنین روز و آستانه اول ماه مه را برای اجرای توطئه خود انتخاب کنند.

اما چه زود این دون مایگان پلید فکر به بن بست رسیدند و جز بی آبرویی و ننگ جز ازنجار و تنفر توده های مردم میهنمان و تمامی بشریت مرفی نصیبی برای خود نیافتند. مگر حکم تاریخ را میتوان با شلاق و شکنجه متوقف کرد. مگر با ربودن گوهر شرف ایمن یا آن فرد میتوان بر خیانتها و جنایتها سروش گذاشت.

اینک هزاران رزمنده کمونیست در سراسر میهنمان با افتخار و سرافرازی و شجاعست و پایمردی به کار آگاهگرانه و سازمانگر در میان توده های میلیونی مردم میهنمان مشغولند. حزب توده ایران موفق شد با برگزاری هیجدهمین پلنوم خود و با بازسازی دستگاه رهبری حزب به دشمنان طبقه کارگر و مردم، به خائنن به انقلاب نشان دهد که حزب همچنان استوار و پابرجا در دفاع از زحمتکشان و محرومین میهنمان ایستاده است.

حزب زنده است چرا که توده ها زنده اند. راه حزب ادامه میابد چرا که راه توده ها است. آرمان حزب جاودان میماند چرا که آرمان زحمتکشان میهن ماست.

مجلس هماهنگ با

حاکمیت رو بر تافته از خلق

پیش از این درباره انتخابات د و رده و م مجلس شورای اسلامی سخن گفته ایم. اینک که مرحله اول این انتخابات پایان یافته است، لازم به نظری رسد که نگاهی، هر چند کوتاه، به چگونگی برگزاری آن و اهداف حکومت در برگزاری این انتخابات داشته باشیم.

هفته ها پیش از برگزاری انتخابات، رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحلیل سازمان از اهداف حکومت در این رابطه را تشریح نمود. اساس این تحلیل عبارتست از اینکه بعلاست شرایط خاص انتخابات د و رده و اول مجلس، نمایندگانی به آن راه یافتند که مواضع ضد امپریالیستی و مردمی آنها از رهبری جمهوری اسلامی برجسته تر بود، و همین امر باعث بروز تضاد میان مجلس و شورای نگهبان بمنزله آزاده رهبری گردید. رفیق نگهدار افزود:

"اکنون هدف، اساسی رهبری جمهوری اسلامی در این انتخابات این است که این تضاد را با تغییر ترکیب مجلس بسودخو د حل کند و برای رسیدن به این مقصود یگانه راهش اینست که تاثیر ارا ده مردم را در انتخابات تا هر حد ممکن می تواند مهار و خنثی و بی اثر و حذف کند." (مسایل انقلاب و مواضع ما - ۲)

تعام جریان تدارک و برگزاری انتخابات از آغاز تاکنون صحت این ارزیابی را نشان می دهد. سران حکومت به قصد هماهنگ کردن مجلس با خود، انتخابات را بر پا کردند. حتی در آستانه انتخابات - ایامی که سران حکومت در بیانات و موضع گیریهای خود "احتیاط" بیشتری به خرج می دادند - گفته شد:

"انشاء الله مجلس خوب باشد. با داشتن علماء و قانون دان ها، حقوق دانهای نگهبان، شورای نگهبان، ما آرام هست دلمان برای اینکه در مجلس انشاء الله مسایلی برخلاف اسلام و برخلاف مصالح مسلمین نخواهد گذشت و اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود، شورای محترم نگهبان که در این دوره با کمال قدرت و استقلال عمل کرد، در دوره های دیگر هم عینطور باشد." (سخنان آیت الله خمینی، کیهان ۲۰ فروردین)

برای درست کردن يك مجلس "خوب" مجلسی که اعضای آن جز "تکبیر" و "احسنت" نگویند، توطئه مهار و خنثی و بی اثر و حذف کردن تاثیر ارا ده مردم را در انتخابات تا هر حد ممکن به اجرا درآمد.

نخستین گام، از بین بردن کامل دستاورد های انقلاب در زمینه آزادیهای دمکراتیک و حقوق دمکراتیک و حقوق مردم بود.

چگونه روز اول ماه مه روز کارگر شد

در روز اول ماه مه اردوی عظیم کار، با صغی متحد و یکپارچه با پرچمی آفرشته بارز می امان خود اردوی سرمایه را به لرزه می اندازد. همه ستکشان صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، ایدئولوژی و عقیده سیاسی خود در این جشن با شکوه شرکت می کنند. در روز اول ماه مه، ارتش جهانی کارگران نیرو و توان خود را برای دستیابی به استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم به نمایش می گذارند.

جنبش ۸ ساعت کار روزانه در سال ۱۸۸۴ در آمریکا آغاز گشت. "فدراسیون کارگران آمریکا" در چهارمین کنگره خود تصویب نمود که از اول ماه مه ۱۸۸۶ هشت ساعت، مدت قانونی کار خواهد بود. در این کنگره به سایر تشکلهای کارگری توصیه گردید که از این تصمیم پیروی کرده و جهت به کرسی نشاندن این خواست مهم دست به اعتصاب و راهپیمایی زنند.

مرکز اعتصابات شهر شیکاگو بود. در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ هزاران کارگر ا هزار کار را به زمین گذاشتند و پیکار مقدس ۸ ساعت کار روزانه را آغاز نمودند. سرمایه داران و دولت حامی آن نیز ساکت ننشستند و با دستگیری رهبران اعتصابی شهر شیکاگو در صدد برآمدند که بر مبارزات کارگران رزمده آمریکایی ضربه وارد آورند.

مادرجو نیز، چهره سرشناس جنبش سندیکایی آمریکا در نیم دوم قرن نوزدهم این روز را چنین توصیف می کند: "کارگران، مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه را آغاز کردند. سندیکاها از آنان حمایت می کردند. کارفرمایان واژه "آناشسی" را علم می کردند تا جنبش را خفه کنند. هرکس که طرفدار ۸ ساعت کار روزانه بود "دشمن وطن، خائن و آناشست" نامیده می شد. شور و هیجان شدت یافته بود. شهر شیکاگو به دوار و می متخاصم تقسیم شده بود، یک طرف کارگران یخ زده از سرما، گرسنه و بیکار که چیزی نداشتند جز مشت هایشان در برابر اسلحه و با طوم پلیس و از سوی دیگر کارفرمایان محافظ از سرما و گرسنگی، تحت حمایت پلیس و نیروهای دولت مقتدر!

اول ماه مه فرارسید. قرار بود در این روز مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه آغاز شود. روزنامه ها از مدتی پیش تبلیغات زهرآگین خود را علیه جنبش و برای ترساندن مردم شروع

کرده بودند. اعتصابات و راهپیمایها از چهار سوی شهر آغاز شد. کارفرمایان شبی انقلاب راجلو. هیچ خبری دیدند. آجرها بود که پرتاب می شد و شیشه ها بود که می شکست. افراد پلیس حمله را شروع کردند. عده زیادی در تیراندازی کشته شدند. عده ای دیگر در زیر سم اسبها لگد کوب گشتند و دختران و پسران بسیاری تا حد مرگ کتک خوردند. شب ۴ مه میتینگی در یک محله فقیر نشین شهر برپا بود. شخصی برای مردم سخنرانی می کرد. ناگهان بمبی از یک پنجره مشرف به میدان پرتاب شد و چندین مامور کشته شدند. شهر عقل خود را از دست داد. در این میان فریاد حق طلبانه کارگران و حقانیست جنبش ۸ ساعت کار روزانه بود که زیر فراخوانهای انتقام جهان خفه شد! صد ها نفر یازدها شست شدند ولی تنهاکسانی به دادگاه فرستاده شدند که برای ۸ ساعت کار روزانه مبارزه می کردند. آنها چند ماه بعد اعدام شدند.

جمعه ۱۱ نوامبر پاسورن، اسپانیایی، فیثرو الکیل رهبران جنبش اعتصابی را به دار آویختند. روز یکشنبه مراسم تشییع جنازه انجام گرفت. هزاران کارگر جنازه ها را بدرقه کردند. صف آنان به کیلومتر ها می رسید. آن روز سرمایه داران شیکاگو از ترس بر خیزند. اجساد شهداد رگورستان شهر به خاک سپرده شد. اما هدف همچنان برجای خود باقی بود:

مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه، مبارزه برای زندگی بهتر، مبارزه برای ایجاد روابط انسانی میان انسانها و ادامه داشت و همچنان نیز ادامه دارد.

نقل از "خاطرات مادر جونز" از این به بعد اغلب کشورهای جهان در اول ماه مه شاهد خروش میلیونها کارگری که در این روز با راهپیمایی و جشنهای کارگری خاطره کارگران مبارز آمریکایی را گرامی می داشتند و خواستهای عادلانه و برحق خویشان را مطرح می ساختند. در اولین کنگره تجدید بنیای انترناسیونال در سال ۱۸۸۹ در پاریس که بعدا انترناسیونال دوم نام گرفت، اول ماه مه بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران جهان نامیده شد.

اکنون آرمان و خواستهای انقلابی کارگران به خون خفته شیکاگو و کارگران سراسر

با تودل جنبش جهانمزیست
گیترو سیکلر جنبش جهانمزیست
از رنج جنبش جهانمزیست
با اینست جهانمزیست



جهان در سوسیالیسم واقعا موجود متجلی شده است.

ارد و گاه سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی دژ استوار انقلاب جهانی است که با گردانهای دیگر کارگران کشورهای سرمایه داری جنبشهای رهایی بخش و کشورهای رها یافته از ستم استعماری، در نبرد مشترک علیه امپریالیسم، جنگ و ارتجاع می رزمند.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

افزایش تولید به بهای تحکیم وابستگی و تشدید فشار بر کارگران

بقیه از صفحه اول

قابل ملاحظه ای افزایش یابد (رفیق فخر نهدار، مسایل انقلاب و مواضع ما ۲) .

اکنون سرمایه داری در چهارچوب همان اسلوبها و شیوه های آریامهری به رشد غارتگرانه و لجام گسیخته خود در ایران ادامه می دهد . مصالغی هاشمی وزیر صنایع طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته است : " با وجود مشکلات بسیار در سال گذشته و کمبود مواد اولیه وزارت صنایع به ادامه و تولید و عدم وقفه در تولید همچنان ادامه داد ، بطوریکه طی سال گذشته تولید کالاهای صنعتی در ۶ ماهه اول ۶۲ نسبت به موعد مشابه سال ۶۱ - ۳۲ درصد رشد داشته است " (کیهان ۱۵ فروردین) البته از وی انتظار نمی رود که بگوید ، این افزایش تولید با شرکت جمهوری اسلامی در تقسیم کار بین المللی سرمایه داری و در راستای خواستهای انحصارات امپریالیستی و به بهای به محنت نشاندن کارگران و اعمال مقررات پادگانی در مورد آنان و ترکانی سرمایه داران و مدیران دولتی در کارخانه ها منسر شد فاست .

افزایش تولیدی که وزیر صنایع جمهوری اسلامی از آن سخن می گوید ، به نظرمان نتیجه سه عامل زیر است :

احیای پرستاب مناسبات وابستگی بادول امپریالیستی

صنایع و متناژ ایران یکی از ابزار مهم سلطه انحصارات بین المللی بر ایران است ؛ در چهار سال نخست پس از انقلاب ، با اوج گرفتن مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی در ایران ، امپریالیستها با ایجاد محاصره اقتصادی و عدم فروش مواد و قطعات مورد نیاز کارخانجات ، باعث کاهش تولید کالا و افزایش بیکاری و رکود صنعتی می شدند ولی با چرخش به راست هیات حاکمه و تثبیت حاکمیت سرمایه داران غارتگر ، سیل مواد و قطعات مورد نیاز صنایع و متناژ و بهمهراه آن کارشناسان فنی کشورهای امپریالیستی به ایران سرازیر شد . این هجوم واردات قطعات و کالا که بعضی از آنها فقط با الصاق اتیکت (مانند ری ا و ، واک که باطریها را آلمان وارد می شوند) و برخی با تخییرات جزئی به عنوان تولید داخلی اعلام می شوند ، بعدی وسیع و در حال افزایش بود که رهبران جمهوری اسلامی را واداشت تا در ماههای آخر سال گذشته برای رساندن آنها به صنایع وابسته و بیمارایران ، اعلام جهاد تخلیه کالا از بنادر بنمایند .

سرمایه داران به " خدمت " خوانده شده

انگلستان برای خرید ورق فشرده و باکمپانیهای آلمان غربی برای تهیه مواد دیگر چندین قرارداد بسته شده یا در شرف انعقاد است . در نفت پارس با وجود رجحان و برتری تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی ، شرایط وارد کردن تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی ، شرایط وارد کردن تکنولوژی صابون سازی را از کشورهای امپریالیستی فراهم کرده اند . در واکن سازی که به کمک لهستان مراحل نصب آن به سرعت پیش می رود ، در برنامه ریزی از کارشناسان آلمان

و مدیران دولتی هر روز آورده جدیدی از کشورهای امپریالیستی دارند و قرارداد های جدیدی را در چهارچوب شرایط از پیش تعیین شده دول امپریالیستی با انحصارات بین المللی انعقاد می کنند ؛ اطلاعات موجود حاکی از احیای روابط گسسته دیروز و تشدید وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی است . جدول زیر نمونه هایی از روند باز سازی روابط سلطه گرانه امپریالیستها با جمهوری اسلامی را نشان می دهد :

" نمودار واردات و ابزار و قطعات صنعتی از کشورهای امپریالیستی "

نام کارخانه	ماشین آلات خریداری شده	کشور
جیب	۸۰۰۰ جیب ، شهباز و آهو	آمریکا - از طریق کانادا
ایران ناسیونال	افزایش ۳۵ هزار قطعه به ۹۵ هزار	تالبوت - انگلستان
استار لایت	ماشینهای جدید تولید	آلمان فدرال
شوفاز کار	کوهرنیماتواتیک (در شرف معامله)	"
استار لایت	ماشینهای جدید تولید	"
عبیدی	دستگاههای جدید	"
ماشین سازی اراک	۲۰۰ جرثقیل	ژاپن
ایران تایر	مشغول مذاکره برای عقد قرارداد	ایتالیا
شیشه مینا	وسایل یدکی کوره ها و خط تولید	سوئد
آلومینیوم سازی	۲۰ هزار تن شمش آلومینیوم	از طریق ترکیه

فدرال و اتریش استفاده کرده و برای ساخت لکوموتیو با ایتالیا مذاکراتی انجام یافته است . از مواهب سیاست " نه شرقی ، نه غربی " روابط اقتصادی با کشورهای امپریالیستی به سرعت گسترش می یابد و روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی که در آن از خروج بی رویه ارز و پورسانت و رشوه برای سرمایه داران و مدیران دولتی خبری نیست به بهای کاهش تولید به نازلترین سطح ممکن می رسد .

در این توسعه روابط اقتصادی صرفاً افزایش تولید مد نظر سیاستگران جمهوری اسلامی نیست ، بلکه در آن جهت گیری سیاسی عریانی برای جلب اعتماد امپریالیسم وجود دارد . روابط اقتصادی چ ۱۰ با امپریالیستها در حالی توسعه می یابد که میزان واردات ابزار و ادوات صنعتی از کشورهاییکه روابط اقتصادی بر مبنای مناسبات برابرحقوق با ایران داشته اند ، به شکلی فاحش کاهش یافته است . صنایعی که به کمک کشورهای سوسیالیستی در ایران ایجاد شده اند ، در جهت بهره برداری بوسیله قطعات وارد شده از غرب راه یابی می گردند . در ماشین سازی اراک که به کمک اتحاد شوروی ساخته شده است ، با شرکت جونیچر خرید جرثقیل ، کمپانی جان تامسون برای دیگ بخار ، با ژاپن برای وارد کردن ۲۰۰ دستگاه جرثقیل ، با

بازگشت سرمایه داران فراری و تشدید فعالیت مدیران غربگرا

پس از پیروزی انقلاب بهمن ، بسیاری از صاحبان صنایع که احساس می کردند در آینده نخواهند توانست به غارتگری خود ادامه دهند ، بقیه در صفحه ۵

استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی

با اعمال فشار و سرکوب از کارگران "جانبا زی" طلب می کنند و با حمایت از قیودات و مقرراتی که کارفرمایان سرمایه دار و مدبران دولتی ضد کارگر

مبارزات مطالباتی کارگران بر محور شعار افزایش دستمزد اوج میگیرد



نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) میگوید: "زمان زیستنی را نخواهد کشید که کارگران با عمل خود به حکومت بفهمانند که در ارزیابی قدرت کارگران مطلقا خطا کرده است." (مسائل انقلاب و مواضع ما شماره ۲)

اکنون که حکومت کمره دفاع از کلان سرمایه داران کمر بسته است، و نه تنها در راه حمایت از محرومین جامعه گامی بر نمی دارد بلکه اشکال حقوقی و قانونی برای غارتگران و تحمیل شرایط سرمایه داران به کارگران را فراهم کرده و میکند. کارگران با شکل و سازماندهی - این تنها سلاح زحمتکشان - علیه غارتگران و حامیان آنها، با بکارگیری تمامی اشکال مبارزه توده ای، اعتصاب، تحصن و ... مبارزه میکنند. طبقه کارگر در مقابل شعار افزایش تولید سرمایه داران که بمعنای تشدید بهره کشی و افزایش اختناق و سرکوب کارگران است، با طرح شعار افزایش دستمزد گامهای سترگی را برای تحقق خواسته های خود پیمای دارد.

آینده ای نه چندان دور نشان خواهد داد که طبقه کارگر ایران با انسجام هرچه بیشتر تشکلهای مستقل و مبارزه متحد و سازمان یافته خود، خواهد توانست گامهای مهمی را در راه بهروزی و استقلال مردم و رهایی میهنان از غارتگری، فقر و محرومیت، بیکاری و بیسوادی و برقراری آزادی زحمتکشان بردارد. کارگران مسیر رشد و پیوایی خود را می یابند و ستلاخ های رژیم، سرکوب، اختناق و کشتار حکومت جنگ طلب قادر نیست این سیل خروشان را که از مسیر و معبر تشکلهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر میگذرد سد کند. سیل خروشان که بر بستر مبارزات فدائیانست و دمکراتیک بوده ها قسار است. نعمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در اختیار همه مردم زحمتکش ایران قرار دهد.

در شرایطی میباشد که مزد روزانه کارگران طی سالهای گذشته بین ۴۰ تا ۱۰۰ ریال و در سال جاری فقط ۶۰ ریال اضافه شده است و رژیم پیشروانه میگوید: "ما قصد نداریم که دستمزد ها را افزایش دهیم." سیاست ما بر اساس ثابت نگه داشتن قدرت خرید کارگران است. " (کمال گنجهای کیهان ۱۳ دی ۶۲)

کارگران بخوبی دریافته اند، حکومت به "قدرت خرید" آنها نمی اندیشد. آنها طی زندگی روزمره خود میبینند که سرمایه دار برای افزایش تولید شیره جان آنها را در کارخانه میگیرد ولی حتی حقوقی که حداقل معاش و سد جوع آنها را کفاف دهد، پرداخت نمیکند. بر همین اساس کارگران برای ادامه زندگی خود خواهان افزایش دستمزد هستند.

جنبش مطالباتی کارگران بر محور افزایش دستمزد بسط و گسترش میابد. وزن این نایع به هنگام باز دید از کارخانجات قزوین تأیید کرد که خواست افزایش دستمزد از سوی کارگران مطرح بوده و در برخی کارخانجات کارگران موفق شده اند این خواست خود را به کارفرمایان تبدیل کنند. کارگران کارخانجات دیگر نیز در پی تحقق این خواست خود هستند و در این رابطه درگیریهایی نیز رخ داده است. (کیهان ۸ دی ۶۲)

"در کارخانه های ساکا، کارتن، اسکوپ پارس خود رو، دارو پخش، ایران لئست و ری - او - واک مسئله افزایش سطح دستمزد مطرح و در نفت پارس اعتراض به سطح نازل دستمزد ها بصورت اعتراض به ندادن رتبه ها تجلی یافت و با موفقیت انجام گرفت. کارگران جدیداً استخدام شده کارخانجات زامیاد نسبت به عدم پرداخت پاداش به آنان اعتراض کرده و موفق به دریافت آن شدند." (اکثریت شماره ۱)

درخواست افزایش دستمزد که باخواست های دیگر کارگران از جمله اجرای طرح طبقه بندی، رسیدگی به وضع غذا، وسایل رفت و آمد گره میخورد بهمراه مسئله اخراج، دو موضوع حاد و برجسته، در مبارزه روزمره کارگران طوسی سال گذشته بوده است. کارگران قهرمانان میهن ما همچنین برای تدوین قانون کار متریقی و تضمین حق تشکل صنفی مستقل و آزاد، مبارزه جانانه ای را در تمام واحدهای تولیدی به پیش برد دارند. این مبارزات کارگران علیه چپاول بی بند و بار، زورگویی، قانون شکنی و فشارهای سرمایه داران و حکومت با تجربه مستقیم خود آنها برای سازمان یابی و تشکل در هم آمیخته و در سراسر کشور قدرت پایان ناپذیر طبقه کارگر را بنمایش میگذارد. رفیق فخرخ

بقیه از صفحه اول

است، کارگران برای دفاع از حق حیات خود و رود رویی با سیاستهای خانمان برانداز ج ۱۰۰ بر محور شعار افزایش دستمزد، گسرد آمده، بسیج و متشکل شده و صدای اعتراض خود را رساتر میسرانند.

هیات حاکمه در مقابل این حرکت حقوق طلبانه کارگران گاه به احتجاجاتی من در آوردی دست میزند که باید از شعار "اختراعاتی" شمرده که ابداع آن به یک قرن پیش بر میگردد و امروز حتی در جوامع سرمایه داری از سگسه افتاده است.

"چون افزایش دستمزد تورم می آورد و در بالا بردن قدرت خرید مردم موثر و تحمیل به افراد مستضعف (۱) است بدین جهت در شورای عالی کار با افزایش دستمزد مخالفت میشود." (کمال گنجهای کیهان ۱۳ دی ۶۲)

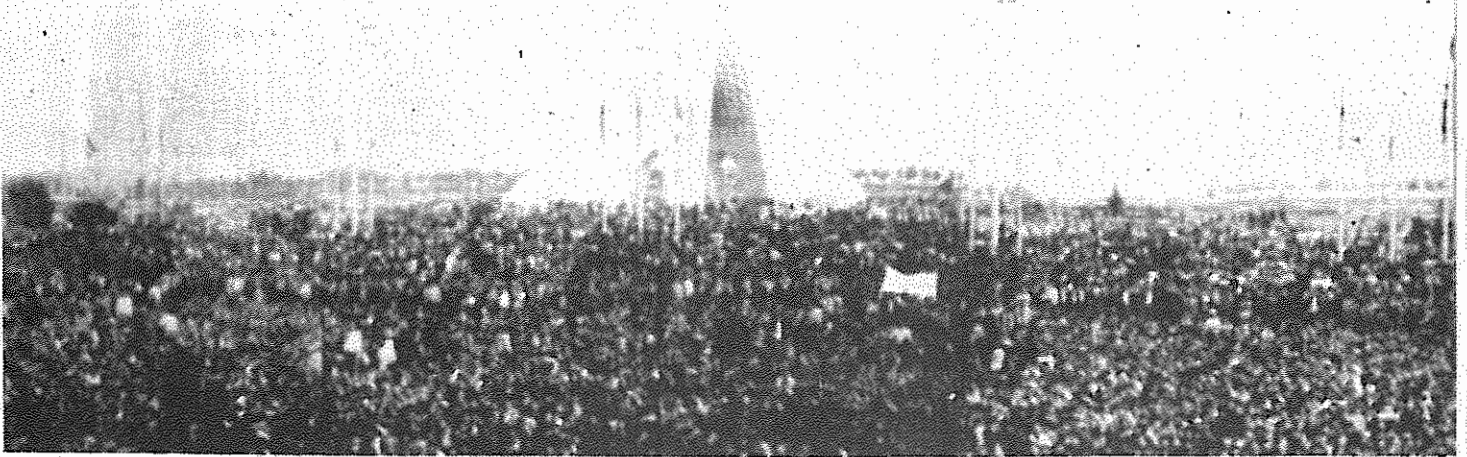
در جا معه سرمایه داری آنچه که ثابت نمینماید، نرخ تورم است. رقم سرسام آور تورم را حتی از آمار رسمی و مصاحبه های کارگزاران حکومت و مطبوعات زیر سانسور دریافت.

"میزان افزایش قیمت ها نسبت به سال گذشته از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد و در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد بوده است." (روزنامه اطلاعات ۲۷ دی ماه ۵۹)

"اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی اعلام نمود که شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، درآمد ماهی ۱۵/۸۶۲ درصد و در نه ماه اول سال ۱۹/۱ درصد نسبت به دوره مشابه قبل افزایش یافته است." (تغییل از کار، ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شماره ۲ دوره دوم)

"کالاها ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد و حتی در بعضی موارد ۴۰۰ یا ۵۰۰ درصد اضافه قیمت داشته اند." (اطلاعات ۱۱ اسفند ۶۲)

گرانی روز افزون و سرسام آور، زندگی را بر کارگران زحمتکش طاقت فرسا کرده است. قیمت ها همچنان رو به بالا میرود. مسئله مسکن با تمام وعده و وعید ها لاینحل مانده و کرایه خانه بیش از نیمی از درآمد کارگران را میبلعد. بیمه های اجتماعی (آنها که بیمه هستند) دردی از زحمتکشان را دوا نمیکند. فرزندان زحمتکشان از آموزشگاه، کودکان و شیر خوارگاه محرومند. علاوه بر این هر نهاد و ارگان حکومتی کیسه ای برای غارت دسترنج اندک و ناچیز زحمتکشان دوخته است. یکی برای جنگ سرکیسه میکند، دیگری هدیه به "کمیته امداد" میطلبد، سومی برای توسازی مناطق جنگزده، "آند دیگری هم "سهم" میخواهد و همه اینها



خاطره اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۶۰، بزرگترین میتینگ تاریخ سازمان دریادها جاودانه میماند

در آن روز که میدان آزادی با خشم و فدائیان راه استقلال و آزادی رنگین شد، فدائیان خلق بار دیگر قلوب پسا ک زحمتکشان را تسخیر کردند.

امروز میدان آزادی در تصرف ششلاق بدستان است، اما کارگران و زحمتکشان رنج دیده میهن ما در روزهای نه چندان دور خواهند توانست به میدان آزادی بیایند.

آن روز تعطیل رسمی خواهد بود. آنها از خانه های مسکونی جاده تهران - کرج، از میدان شوش، نازی آباد، دروازه قزوین، از راههای دور خواهند آمد. حتی سده آبادان، از شهرک ذوب آهن اصفهان، از امیر خیر تبریز، گردماده رشت ۱۰۰۰ از پشت بازار خرم آباد خواهند آمد.

برنجکاران مازندران، چایی کساران لاهیجان، گندم کاران تبریز و همدان، صیفی کاران اصفهان خواهند آمد. کارمند و دانشجو دکاندار سرک و چه هایمان خواهند آمد.

خواهند آمد، تادرمیدان آزادی دوباره سرود رهایی زحمتکشان جهان و ناقوس مرگ استغفار را باهم بخوانند:

تنها ما توده جهانیم
اردوی بی شمار کسار
داریم حقوق جهانیانی
نه که خونخواهران غدار
غرد وقتی رصد مرگ آسنا
برد زخمیان و رهزنان
در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نور افشان

"روز قلمی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسانها

در ساعت چهار بعد از ظهر بیش از صد هزار تن در ضلع شمالی میدان آزادی گرد آمده بودند و این در حالی بود که سیل جمعیت همچنان بسوی میتینگ روان بود. ۱۰۰۰ این میتینگ به تصدیق همه گزارشگران ما و با تکیه بر ارزیابی همسای متعهد، بیش از آخرین میتینگ سازمان ماکه در آن زمان بزرگترین اجتماع تاریخ سازمان ارزیابی شده بود، مورد استقبال مردم قرار گرفت.

اما از آنجا که برگزاری جشن اول ماه مه مانند همیشه مورد غضب سرمایه داران و امپریالیسم است، میتینگ عظیم سازمان ما از ستبرد خفاشان شبکه یارای دیدن روشنائی و خورشید راندارند، در امان نماند. باند های سیاه وابسته به نیروهای طرفدار غارتگری کسلان سرمایه داران و بزرگ مالکان با شعارهایی چون "حزب فقط حزب الله" به اجتماع پر شکوه سازمان ما هجوم آوردند و داغ تنگ جنایتی دیگر را بر پیشانی خود کوبیدند. در آن روز که میترا



صانعی نوکل سرخ فدایی بدست عوام مسل
امپریالیسم و قشویون تنگ نظر و مرتجع پرپرگشت

کارگران و زحمتکشان خاطره آن روز را از یاد نخواهند برد. آن روز، رودما از سلسله کوههایی که طبق کارگر در قله آن با قامتی استوار ایستاده است بهم پیوستند. شط در شد در هم گره خوردند و به دریایی به وسعت همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان پیوستند. آن روز، روز جشن همبستگی جهانی کارگران، عید بزرگ زحمتکشان، روز اول ماه مه، روز ۱۱ اردیبهشت ۶۰ بود. کارگران و زحمتکشان، روشنفکران انقلابی، مادران، پدران، نوجوانان و جوانان، کودکان، نوپا و گان در آغوش مادران یا بر سر شانه های پدران آمدند. آنها با عزمی راسخ به میدان آمدند، تا قدرت بنیاد برکن خود را در مبارزه با امپریالیسم و نظام پوسیده سرمایه داری به نمایش بگذارند. آن روز، میدان آزادی اقیانوس مشت های گره کرده، بازوان بهم پیچیده، طنین پر تیش و سوزنده فریادها و آوای دلپذیر سرود کارگران جهان بود که به فشارهای شکافت و بر قلبهای نشست:

برخی از داغ لعنت خورده

دنیای فقر و بندگی

شوریده خاطر ما را بسرده

به جنگ مرگ و زندگی

باید از ریشه براندازیم

کهنه جهان جو رو بند

وانگه نوین جهانی سازیم

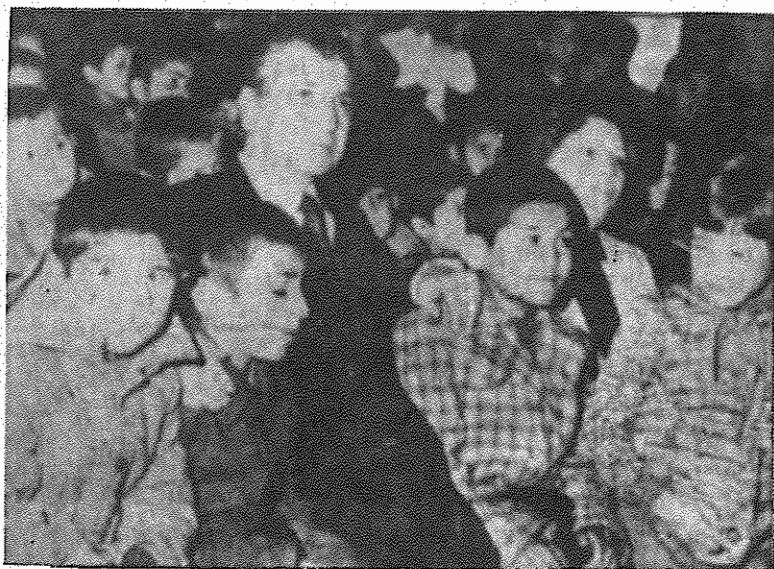
هیچ بودگان هر چیز کردند

روز قلمی جدال است آخرین رزم ما

انترناسیونال است نجات انسانها

گزارش آن روز به یادماندنی را از زبان گویای کارگران سراسری سازمان پرافتخارمان بشنویم. استقبال مردم از این میتینگ را اگر بخوایم در یک جمله بگوییم، شکفت انگیز بود.

درخشش انقلاب ثور بر تاریکی ها غلبه میکند



هفتم ثور (اردیبهشت) در تاریخ خلق برادر افغانستان یادآور روزی است که در آن، سربازان و افسران میهن پرست با پشتیبانی اکثریت مردم این کشور تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان رژیم مکی بر فئودالسم راسرنگون کرد و قدرت را به دست گرفتند. در این روز، خلق افغانستان سرنوشت خویش را خود بدست گرفت و در راه استقلال و آزادی گام نهاد. اکنون که شش سال از آن روز تاریخی گذشته است، درخشش انقلاب ثور بیش از پیش بر تاریکیها، بر عقب ماندگی، بر سارت ملی و طبقاتی غلبه کرده و اشعه حیات بخش آن عرصه های گوناگون زندگی زحمتکشان افغانستان را درمی نوردد.

در ششمین سالگرد انقلاب پیرومند ثور، نظری داریم بپسینه دستاوردها و روند این تحول عمیق در حیات خلق برادر افغانستان.

افغانستان پیش از انقلاب:

در اسارت فئودالسم

بر افغانستان تا سال ۱۳۵۷ مشیبی اشراف فئودال و سزان طوایف حکمروایی می کردند. در سال ۱۹۷۷ افغانستان با درآمد سرانه ای معادل ۱۰۰ دلار جزء ۲۰ کشور عقب مانده دنیا به شمار می رفت. از جمعیت ۱۶ میلیونی این کشور ۸۵ درصد در بخش کشاورزی فعالیت داشتند. چهل درصد مردم افغانستان در سالهای دهه هفتاد در حداقل سطح زندگی و یا فقر مطلق بسر می بردند. میانگین سن بسیار پائین (۳۹/۹) بسرای مردان و ۴۰/۷ برای زنان) بود. برای یک جمعیت ۱۶ میلیونی تنها ۱۰۰۰ پزشک وجود داشت. نود درصد مردم بی سواد بودند. زنان و دختران خرید و فروشی می شدند.

حکام فئودال کشور را ایجاد یک بازار ملی و نتیجتاً فراهم آمدن زمینه پیدایش ملت واحد جلوگیری می کردند. هنوز هم در افغانستان قبایل و طوایف متعددی وجود دارد که به بطور منفرد و جدا از سایر مناطق کشور زندگی می کنند. سرمایه داری ملی در آستانه انقلاب ثور عمدتاً در سرمایه داری تجاری خلاصه می شد. ۲۰ الی ۳ میلیون نفر از مردم راقبایل کوچ نشین تشکیل می دادند. بسیاری از شهر وندان افغانستان در جستجوی کار از این کشور مهاجرت می نمودند. تنها در ایران، قبل از انقلاب ثور، یک میلیون کارگر افغانسی زندگی می کردند.

در عرصه سیاست خارجی نیز رژیم داود از ۱۳۵۳ به بعد بطور روزافزون به امپریالیست هاو ایادی آنها روی آورد، که نزدیکی به رژیم شاه در ایران و تیره شدن مناسبات با اتحاد شوروی نمونه های آن بود.

چنین شرایطی نارضایتی اکثریت مردم

افغانستان را دامن می زد. اعتراضات توده ای زحمتکشان گسترش می یافت. رژیم داود به سر به سرکوب متوسل گردید.

انفجار خشم مردم

در آستانه انقلاب ثور نقش حزب دمکراتیک خلق افغانستان هر روز بیشتر می شد. مردم در این حزب، پیشاهنگ انقلابی خود را می دیدند که مجهز به برنامه ای مترقی برای غلبه بر عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی و ساختن جامعه نو بود. رژیم داود در این حسیب، بزرگترین دشمن خود را می دید، و از این رو با کمک "سیا" زمینه اجرای توطئه نابودی فیزیکی رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان را فراهم ساخت.

اجرای این توطئه در روز ۲۸ فروردین ۱۳۵۷ با قتل میراکبر خیبر، عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و ناشی از هفته نامه "پرچم" آغاز گردید. این جنایت خشم مردم را برانگیخت. در تشییع جنازه شهید میراکبر خیبر ۶۰ هزار نفر شرکت جستند و این مراسم تحت رهبری کمیته مرکزی ح. د. خ. ۱۰ به یک راه پیمایی اعتراضی بسوی سفارت آمریکا تبدیل شد. رژیم متعابلاً صد ها تظاهرکننده و افسر ترقیخواه را دستگیر کرد. در روز ۶ اردیبهشت، برخی رهبران حزب، از جمله

نورمحمد ترکی و ببرک کارمل بازداشت شدند. حزب دمکراتیک از مایش بزرگ، قرار گرفت: بیا بایست فوراً دست بکار شد و یا با بیه خطر افتادن جان رهبران حزب، مبارزات مردم نیز در خطر می افتاد. حزب دمکراتیک خلق در آن مقطع حساس از آرمایش تاریخی سر بلند بیرون آمده و بلوغ سیاسی و انضباط تشکیلاتی خود را به

اثبات رساند.

تحت رهبری حزب، سربازان و افسران میهن پرست در روز ۱۷ اردیبهشت مسلحانه قیام کرده و پس از یک نبرد ۱۲ ساعته، مقام و مت رژیم ضد خلقی را درهم شکستند. رهبران حزب از زندان آزاد شدند. مراکز قدرت به تصرف انقلابیون درآمد. این عملیات که از سازماندهی سطح بالایی برخوردار بود، مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت. مردم به افسران و سربازان پیرومند گل می دادند. سالها مبارزه شمرده بود. قدرت سیاسی از گروه کوچک فئودال ها، مامورین عالی رتبه دولتی و نیروهای بورژوازی به دست نیروهای انقلابی و دمکراتیک که بیا نگر خواستهای توده های وسیع زحمتکشان بودند، افتاد.

پیروزی انقلاب ثور بدون حمایت وسیع ترین اقشار خلق و تدارک طولانی از سوی حزب دمکراتیک خلق افغانستان امکان پذیر نبود. در مقطع پیروزی انقلاب حزب ۱۸ هزار عضو داشت. کار توده ای ۱۳ ساله حزب آنرا از نفوذ زیادی در میان کارگران، روشنفکران، کارمندان و دانشجویان برخوردار کرده بود. بخصوص باید از فعالیت حزب در میان نیروهای مسلح نام برد.

برنامه و دستاوردهای انقلاب

در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ برنامه ۳۰ ماده ای انقلاب زیر عنوان "خطوط اساسی و وظایف انقلابی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان" اعلام گردید. این برنامه پاسخگوی نیازهای مرحله ملی - دمکراتیک انقلاب بوده و موارد اصلی آن عبارت بود از: "خط

نامه های
خوانندگانافزایش قیمت کالاها و خدمات
برای تامین مخارج جنگ

رفقای عزیز "سهند" از اسپانیاییان و "مزدک" از هندوستان داستان و اشعار زیبایان رسید. ما آنها را برای نشریه "دفتراهای ادبیات و هنر" فرستادیم. شعار داد و ستد، به همکاری جدی با نشریه مزبور می کنیم. برای ما نیز مطالبتان را بفرستید.

اینک قسمتی از شعر "آئینه بهروزی" از رفیق "سهند" که بمناسبت انتشار مجدد کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سروده است:

شبانگاهان تویی آتش
که گرمی می دهد بر کلیه سرسپاه زحمت و حرمان
تویی مشعل

تویی پسر چم
تویی رسو اگر افسون و وافیون ریاکاران
تویی، مشت هزاران
پایدار و ماندگار تویی
ای آئینه بهروزی انسان

و یکی از دو بیتی های رفیق "مزدک":
دشمن تو می اندیش شکستی قدس روم
پیوده لهیدی اگر قامت دردم
گویم بتو ای خصم ز نو قد بفروزم
چون لاله خونین ز نورخ بفروزم
رفیق م. از انگلستان طرح، ترجمه و
رویدادهای هفته ارسالی شمارسید.

فرانکفورت، رفقای عزیز ترجمه ها و طرح ها ی
شمارسید.

و بودجه)
نتیجه این میشود که هم بهای خدمات
و کالاها افزایش مییابد، هم از اعتبارات عمرانی
کم میکنند، هم کسر بودجه و در نتیجه تورم باقی
می ماند و صعود هم مینماید، و مابه التفاوت
همه اینها به کام جنگ میرود.

این است ماهیت واقعی سیاست مالی
"مستضعف گرایانه" و بودجه "ضدتورمی" که
به تصویب رسانده اند. سران حکومت در مواجهه
با مردم که نسبت به این اخاذی ها معترضند
میگویند مردم باید "خرج خودشان را خودشان
بدهند" (رفسنجانی، کیهان ۲۱ شهریور ۶۲)
تا بدینوسیله خالی کردن جیب مردم و غارت
دسترنج زحمتکش بسود تامین مخارج جنگ را
بخوبی توجیه کنند. اما آنها نخواهند توانست
با این دروغها مردم را بفریبند. مردم میبینند در
حالی که هر روز بابت حواش اولیه زندگی خود بیشتر
فارت میشوند، منابع ارزی کشور و بودجه
دولتی تعاماد در خدمت جنگی است که فقط
بسود دشمنان آنهاست.

حال ببینیم علت این افزایش قیمت های پی
در پی چیست؟ بانکی رئیس سازمان برنامه
و بودجه مدعی است مبلغی که از طریق افزایش
مالیات بر مصرف، حذف سوسید برخی از کالاها
و نیز افزایش بهای خدمات دولتی بسود خزانه
دولت صرفه جویی شده و یا به آن واریز میگردد،
صرف اعتبارات و هزینه های عمرانی خواهد شد.
"در مورد مالیاتی هم که برایش در نظر
گرفته اند مشخصا گفته اند که صرف اعتبارات
عمرانی و هزینه تاسیسات عمرانی مملکت مثل
طرح نفت، گاز، کشاورزی و آب بشود." (اطلاعات
۷ فروردین)

اما واقعیت اینست که آقای بانکی دروغ
میگوید. اعتبارات عمرانی نه تنها بیشتر
نشده، بلکه کاهش هم یافته است. به مصداق
"در رو گویم حافظه است"، خود آقای سرپرست
سازمان برنامه و بودجه دروغ خود را در همان
مصاحبه برملا کرده است. وی میگوید:
"اعتبارات عمرانی مملکت در سال ۶۲ به
مقدار ۱۳۰۹ میلیارد ریال بوده است
که در سال ۶۳ به مقدار ۱۱۸۶/۴ میلیارد
ریال تعدیل شده است."
(همانجا) البته وی از لفظ "تعدیل" استفاده
میکند تا سیاست مالی ضد مردمی رژیم را در
زورق تحویل مردم بدهد. سه ماه پیش نیز
خاطمه ای رئیس جمهور "مژده" کاهش اعتبارات
عمرانی را داده بود:

"وزیر راه مثلا خوب ممکن است صد تا
پروژه راهسازی در مملکت برای سال ۶۳ گذاشته
است، اینها پول لازم دارد، یک بودجه ای
تنظیم میکند، فلان قدر میلیارد مثلا به من
بدهد برای اینکار، اگر بخوایم کسر بودجه
نباشد باید از سهم ایشان یک مقداری بزنیم.
۳۰ درصد مثلا از سهم ایشان بزنیم. همه
این پروژه ها خواهد ماند. همه آنها، بخش
زیادش میماند." (جمع روحانیون شیراز - دیماه
۶۲)

دایره شعبده بازیهای فوق الذکر را
میتوان بدینگونه ترسیم کرد: اولاً چون میخواهیم
اعتبارات عمرانی را زیاد کنیم باید قیمت کالاها
و خدمات را بالا ببریم. ثانیاً چون کسر بودجه
داریم باید از اعتبارات عمرانی کم کنیم. ثالثاً
(البته این را دیگر سران حکومت نمیگویند) پس
تمام این احوال، و علیرغم دشیدن روز افزون
مردم بسود جنگ، باز هم کسر بودجه ۳۶۰
میلیاردی داریم! (رجوع کنید به مصاحبه
مطبوعاتی یاد شده سرپرست سازمان برنامه

جنگ خانمانسوز ایران و عراق تنها
از طریق عواقب فاجعه بار مستقیم آن (مرگ
و ویرانی) بر دوش مردم زحمتکش میهنمان سنگینی
نمیکند. غریب جنگ با بلعیدن بیش از یک
سوم بودجه دولتی و "کمک" های اجباری که
توسط عوامل رژیم از مردم اخاذی میشود از خون
زحمتکشان ارتزاق میکند. همچنین شرایط جنگی
و کمبود کالاها، به تجارتگر امکان میدهد
تا با بورس بازی روی کالا های مورد نیاز مردم،
باقیمانده دسترنج آنها را به جیب بزنند و خود
فربه و فربه تر شوند.

اما تنها نرخ کالاها و خدماتی که
در "بازار آزاد" عرضه میشود با آهنگ
سرسام آور صعود نمیکند. حتی قیمت کالاها
و خدمات دولتی هم افزایش مییابند. اوایل
فروردین ماه اعلام شد:

"در سال گذشته برای هر کیلو گوشت
مرغ ۲۵ ریال و برای هر کیلو تخم مرغ ۱۸ ریال
از طرف دولت سوسید پرداخت میگردد که
بنابر تصویر شورای اقتصاد از آغاز
امسال این سوسید حذف گردیده است
و در نتیجه گوشت مرغ از امسال کیلویی
۲۶۰ ریال و تخم مرغ کیلویی ۱۶۳ ریال به
مصرف کنندگان تحویل داده خواهد شد."
(مدیر عامل سازمان حمایت از تولید کنندگان
و مصرف کنندگان، "اطلاعات ۷ فروردین")
وی همچنین افزود: "نرخ نوشابه از تاریخ
۶۳/۱/۵ در سراسر کشور برای عاملین فروش
هر بطری ۱۷/۵ ریال و برای مصرف کنندگان
هر بطری ۲۰ ریال خواهد بود." (همانجا).
علاوه بر این، برای سیگار نیز مالیاتی در
نظر گرفتند که قیمت آنها افزایش داد. بانکی
وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه
علت وضع این مالیات را چنین توضیح داد:
"مالیاتی است بر یک جنسی که مورد استفاده
قشری از مردم میباشد نه همه و جز کالا های
اساسی هم نیست." (مصاحبه مطبوعاتی ۶
فروردین - اطلاعات ۷ فروردین)

در مورد خدمات نیز، بهای آندسته از
خدمات که دولت و سازمانهای وابسته به
آن ارائه میکنند، هر از چند گاه افزایش
میابد. وزیر پست و تلگراف و تلفن در خرم آباد
اعلام کرد: " (نرخ تلفن) برای مشترکینی
که از این به بعد تلفن دریافت میکنند مقداری
بیشتر میشود. یعنی اگر قبلا حدود ۷ هزار
تومان پرداخت میکردند اکنون به حدود ۱۵
هزار تومان افزایش مییابد." (کیهان ۱۴ فروردین)

بمناسبت درگذشت رفیق رضا رادمش

رفیق رضا رادمش، منشد بیراول اسبق کمیته مرکزی حزب توده ایران و از بنیانگذاران حزب و یکی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی و کارگری ایران، روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ درگذشت.

رفیق رادمش که در سال ۱۲۸۴ دیده به جهان گشود از آغاز جوانی به جنبش کارگری و کمونیستی ایران پیوست، دردوران حکومت رضا شاه به جرم فعالیت انقلابی ۵ سال را در زندان گذراند، در سال ۱۳۲۳ در کنگره اول حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی و در سال ۱۳۲۶ به دبیران و کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب گردید و تا سال ۱۳۴۹ در این مسئولیت انجام وظیفه نمود.

رفیق رادمش در تمام این دوره دشوار و پر مشغولیت، با وفاداری کامل به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروлетری، برای پاکیزگی آیدولوژیک حزب و در راه وحدت صفوف کمونیستهای ایران و جهان مبارزه کرد، او این افتخار را داشت که در نبرد انقلابی حزب توده ایران علیه سکتاریسم و نفرت گرایشی مائوئیستی در یک شرایط بسیار حساس سهم ارزنده ای داشته است.

رفیق رادمش، نه تنها یک کمونیست، بلکه یک دانشمند برجسته نیز بود. وی در کنار فعالیت های انقلابی کار علمی سنگینی را هم پیش می برد.

درگذشت رفیق رادمش برای همه کسانی که به میهن و مردم خود عشق می ورزند و در راه سعادت آنان مبارزه می کنند، مایه اندوه بسیار است. کسانی چون او در طول عمر پرفراز و نشیب خود در راه میهن و مردم، رنج های بسیار کشیدند و دردهای آنان، نغادی از دردهای ملت ما و زحمت کشان ماست، آرزوی آنان، نمودار والاترین آرزوهای مردم ماست.

با اندوه فراوان از درگذشت رفیق رضا رادمش، خاطره وی را گرامی می داریم.

روزنامه حزب حاکم در توجیه سیاستی که این حزب در اتحاد با بازار در جهت حذف کاندیداهایی که بعضاً حتی توسط همین حزب دردوره اول کاندید شده بودند، نوشت: "چهره های برجسته و شناخته در میان کاندیداهای بسیارند. ولی مردم در انتخاب چهره ها نیز بایستی دقیق عمل کنند. برخی نماینده یک دوره اند و تحت هیچ شرایطی بلحاظ عملکرد خود و ضعف خصلتی شان قادر نیستند به دوره دیگری راه یابند." (روزنامه ج ۱۰، ۲۱ فروردین)

بقیه در صفحه ۱۱

برای مثلاً کردن کاندید معین بکنند." (همانجا)

نتیجه آن شده دفتر تبلیغات اسلامی نتوانست کاندیدا معرفی کند، جامعه مدرسین تنها برای قم، جامعه روحانیت مبارز تنها برای تهران نامزد معرفی نمودند، اما در عوض حزب جمهوری اسلامی در ائتلاف با بازار هر شهرتست عنوان "دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۵۰۰" در سراسر کشور حضور و فعالیت انتخاباتی داشت. ضمن اینکه در قم و تهران لیست این حزب تقریباً همان لیست جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران بود.

این ترفند در مورد ضعف حمایت از برخی نمایندگان مجلس دوره اول که با جنبه های سیاسی حاکم مخالفت می کردند کارگرفتاد. این نمایندگان که با توجه به تغییرات کیفی در ترکیب رهبری حزب جمهوری اسلامی از چهار سال پیش بدین سو خود بخود از لیست های حزب حاکم حذف می شدند، از هرگونه حمایت سازمانی دیگر نیز محروم ماندند و یا مجبور بودند بطور منفرد کاندید شوند. یا از نمایندگی مجددهطور "داوطلبانه" صرف نظر کنند.

"اما برای از میدان بدر بردن این گروه، تنها به حذف آنها از لیست نهاد های قدرت اکتفا نشد. از ماه ها پیش، گروه های فشار در تهران و شهرستان، به تهیه "لیست های سیاه" از نمایندگان دست زدند که در دفاع از اصلاحات اجتماعی، در استیضاح و زرای راستگرا و خلاصه هر آنچه در نظریات و طرفدارانش "ناطلبوب" بود، از خود جرات بیشتری نشان می دادند. یک سال پیش هنگام بررسی اعتبارنامه های خاموشی و پورا ستاد در مجلس، خاموشی فواد کریمی نماینده اهواز را به سبب افشاگری هایی که درباره سوابق او کرده بود به چنان "مجازات"ی تهدید نمود که "برای سایرین عبرت شود." (اطلاعات ۲۷ فروردین ۶۲). رفسنجانی رئیس مجلس نیز که از خاموشی دفاع می کرد، به فواد کریمی نصیحت نمود و "خودش را به خطر نیندازد." (همانجا)

خاموشی ها تهدید خود را عملی کردند. محمد عباسی خراسانی سرپرست "دفتر تبلیغات اسلامی" اخیراً فاش نمود: "دفتر تبلیغات قبل از اینکه تصمیم بگیرد در انتخابات کاندیدا معرفی نکند، در شهرستانها و مراکز استانها جهت اطلاع از زمینه نمایندگان فعلی یک سلسله تحقیقاتی انجام می داد. ما ضمن برنامه های تحقیقاتی متوجه شدیم دستهای مرموزی زمینه سازی از نمایندگان فعال فعلی (را) ۵۰۰ خراب کرده اند." وی افزود: "به بهانه اینکه فلان نماینده در استیضاح فلان وزیر شرکت داشته یا در فلان برنامه نطق تنیدی داشته و یا گاهی انتقاد می کرده و مطالبی را مطرح و بی پیرایه بیان نموده زمینه چینی نمایندگان را خراب کرده اند." (کیهان ۲۲ فروردین)

مجلس هماهنگ...

بقیه از صفحه ۲

رهبران جمهوری اسلامی از مدتها پیش از آغاز تذاریک انتخابات، کار حاکم کردن اختناق و سرکوبگری را آغاز کرده فعالیت احزاب و سازمانهای انقلابی ممنوع اعلام شده و اعضا و هواداران آنها تحت تعقیب قرار گرفتند. تشکلهای تودهای یکی پس از دیگری منحل گردیدند. بالاخره هم در قانون انتخابات شرایطی را برای انتخاب شوندگان در نظر گرفتند که صریحاً احزاب و سازمانهای انقلابی را از شرکت در انتخابات محروم می کرد (مورد ۵ از ماده ۳۲). از جمله در ماده ۵۰ این قانون ارتجاعی آمده است:

"وزارت کشور پس از وصول مشخصات داوطلبان از فرمانداریها و بخشداریه های مراکز حوزه های انتخابیه تذاریک لیست کامل آنان را تهیه و به منظور بررسی سوابق آنها در رابطه با صلاحیت های مذکور در این قانون به مراجع ذیصلاح "مرکز اسناد انقلاب اسلامی، واحد اطلاعات سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل" در مرکز ارسال می دارد." (اطلاعات ۲۶ بهمن ۶۲) به موازات محروم کردن "قانونی" نیروهای انقلابی از شرکت در انتخابات، تلاش برای ارایه لیست واحد از سوی نهاد های قدرت در جمهوری اسلامی نیز آغاز گردید. خامنه ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد این حزب در صد ائتلاف با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز تهران است. (نشست مشترک مسئولین حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران) رهبری جمهوری اسلامی به این ارزیابی رسیده بود که زمان یک دست کردن لیست واحد بسود راستها فرا رسیده است. تأیید و تصحید علنی آیت الله خمینی از عسکران ولادی و ادارودسته اش در همین راستا بود.

اما تلاش برای دستیابی به لیست واحد به سرانجام نرسید. رفسنجانی رئیس مجلس در نماز جمعه ۱۹ اسفند تهران گفت: "در آستانه انتخابات، حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین قم و شورای ائمه جمعه و دفتر تبلیغات اسلامی و بعضی از نهاد های محبوب باید یک درصد در صد بودند که افراد موجه و صالح را پیدا کنند و دسته جمعی و حتی الامکان با ائتلاف اینها را به کل کشور و مردم معرفی کنند." (روزنامه ج ۱۰ - ۲۰ اسفند ۶۲)

اما پس از عدم موفقیت در ایجاد "ائتلاف بزرگ": "امام فرمودند که ما هیچ حوزه ای به حوزه دیگر کاندید معین نشود یعنی همه این جریانهای محبوب کشور ۵۰۰ اینها جمع نشوند از اینجا مثلاً برای زاهدان، برای چاه بهار،

وقتی آقای فتحعلی

برای خرید به بازار می رود!

آقای فتحعلی معاون پشتیبانی و تولیدات و خدمات وزارت بازرگانی است. جمهوری اسلامی وی را بعد از عید نوروز با مقدار ناچیزی پول برای رساندن جمهوری اسلامی ایران به خودکفایی ۱۰۰٪ عازم خرید از بازار نمود. او در راس هیأتی مرکب از ۱۴ نفر راهی دیار غربت شد و برای اطمینان خاطر همه قبل از سفر گفت: "ترتیبی داده شد ماست که اصل نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، در کلیه سیاستهای خرید و زارت بازرگانی انعکاس داشته باشد." (کیهان ۲۲ فروردین ۱۳۶۳)

بهر حال، آقای فتحعلی با اعتقاد راسخ به این امر قدم در راه نهاد. مسلم بود که ایشان بهیچ وجه به سوی شرق و غرب نخواهد رفت. بنابراین بسوی باختر (و نه غرب) راهی شد و رفت تا به آلمان فدرال رسید. در آنجا آقای فتحعلی "طی بازدید خود از کروپ که ۴۰ درصد سهام آن متعلق به ایران است در زمینه هایی به همکاری وسیعی دست یافت."

آقای فتحعلی همچنان بر اصل نه شرقی، نه غربی پابرجا بود. او برنامه سفری نیز برای همسفرانش چید که نه به طرف شرق باشد و نه به طرف غرب. آنها جنوب باختری را برگزیدند تا به برزیل برسند. آنها قرار است "از تولیدات این شرکت (کارخانه کروپ) دیدار کرده و نسبت به خرید قطعات آن که دولت ایران در آنها نیز سهم است، اقدام نماید."

مجلس هماهنگ

بقیه از صفحه ۱۰

علاوه بر تمام تمهیدات فوق که بمنظور ساختن مجلسی هماهنگ با حاکم جمهوری اسلامی انجام گرفت، برای سران رژیم کشاندن تعداد هر چه بیشتری از مردم بیای صندوقهای رای نیز مطرح بود. و این امر البته برای آنها در هر چه شورتر کردن آشپازدن لیستهای تمهیلی و انتصابی بعنوان انتخابی، محدودیت هائی بوجود می آورد. بنابراین، از چند هفته پیش از انتخابات، تبلیغ می کردند که "لیستها مفید هستند، ولی تکلیف شرعی مردم را برای تحقیق خودشان از بین نمی برد، ... اخذی شرعانی تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رای دهد." (نخست وزیر، کیهان ۲۰ فروردین)

اما سران حکومت خیلی زود از این "توصیه" ای که به مردم کرده بودند، پشیمان شدند. قبل از همه خامنه ای رئیس جمهور و دبیر کل حزب، اکم از مردم تهران خواست "مشاورت با افراد خیر و بصیر بمنظور جلوگیری از پراکندگی آرا" رای دهند. (روزنامه ۱۰ فروردین ۲۲ فروردین) بعد هم از قول آیت الله خمینی حرف خود آقا را که اگر "کسی نسبت به کاندیداها شناختی ندارد نباید رای بدهد" پس گرفتند و اعلام کردند: "اگر نسبت به خود کاندیداها و صلاحیت آنها شناختی ندارند می توانند به کاندیدا هایی که افراد مورد اطمینان معرفی می کنند رای دهند." (روزنامه ۱۰ فروردین ۲۵ فروردین) روشن است از دید رهبری جمهوری اسلامی "افراد مورد اطمینان" چه کسانی هستند. بدین ترتیب در آخرین روزها، سران حکومت کوشیدند تنه امکان انتخاب را از مردم سلب کنند و حتی به مردم اجازه ندهند برخی از نیروهای حاکم را بر برخی دیگر ترجیح دهند. این امر البته اینجا و آنجا در تضاد با مقتضیات نمایش "پلورالیستی" پیش از انتخابات قرار می گرفت. اما اکنون با صراحت اعلام شده است که بعد از انتخابات دیگر از همین رنگ و لعاب "پلورالیستی" و "دمکراتیک" هم خبری نخواهد بود. رفسنجانی در نماز جمعه ۲۱ فروردین گفت: "اگر بخواهد این حالت جدایی که مخصوص زمان انتخابات است، این ادامه پیدا کند برای بعد، این خطر غیرقابل جبران پیش می آورد." (صدای جمهوری اسلامی ۳۱ فروردین) رفسنجانی از "بازنده ها" ی انتخابات دعوت کرد شکست خود را بپذیرند و صحنه را خالی کنند.

اما به آقای امام جمعه وقت تهران باید گفت که هر کس هم صحنه هیاهوی انتخاباتی را ترک کند. خود مردم صحنه دفاع از منافع خود را ترک نخواهند کرد. مردم مجلسی را که برخلاف اراده آنان با طرافداران غسارت سرمایه داری پر شده است قاطعانه طرد خواهند کرد.

در همه دید و بازدیدها هیچگونه خللی به اعتقاد فرستاده جمهوری اسلامی به شعار "نه شرقی، نه غربی" وارد نشد. با این اعتقاد آقای فتحعلی دوباره قدم بر راه نهاد و نه شرق و نه غرب، بلکه جانب شمال را گرفت و رفت و رفت تا به سوئد رسید. در آنجا "دیدار هیأت فنی و تجاری ایرانی با هدف خرید قطعات کامیونهای ولو و ولو ۱۰۰ و صورت گرفت و در جریان این سفر پس از بازدید از کارخانجات مذکور طی مذاکراتی با مدیران شرکت های نامبرده به اهداف مورد نظر دست یافتیم."

پس از اینجا آقای فتحعلی باز پای به سفر نهاد. در عزم راسخ و هیچ خللی وارد نشده بود. او باز هم راهی را انتخاب کرد که نه شرق باشد و نه غرب، و رفت بصمت خاورد و رتا به ژاپن رسید. در آنجا برخلاف ایران کمک فنرو یا طاقان پیکان بوفور یافت می شد. آقای فتحعلی به فکر هم میهنان خود بود و به اندازه کافی از آن لوازم خرید. "طی این سفر پاره ای از قطعات اتومبیل پیکان، چون کمک فنرو یا طاقان پیکان را از ژاپن تهیه کردیم و برای نخستین بار یک میلیون و پانصد هزار کمک فنر جهت پیکان و پاره ای قطعات این اتومبیل و دیگر قطعات یدکی به ارزش ۷ میلیون دلار از ژاپن خریداری شد. ۵۰۰ هیأت بازرگانی و فنی ایران (همچنین از شرکتهای تولیدی مزد و نسیان که تا این کنده قطعات پاره ای شرکتهای وزارت بازرگانی است بازدید کرد."

آقای فتحعلی سفر خود را با جو شحالی از اینکه، اصل "نه شرقی و نه غربی" همچنان پابرجاست، به کث و ر بازگشت. (نقل قولها از کیهان ۲۲ فروردین ۶۱)

تحصیلات ابتدایی رایگان و عمومی و گسترش تحصیلات رایگان متوسطه، عالی و حرفه ای و ایجاد نظام بهداشت و درمان رایگان و مبارزه علیه الکل و مواد مخدر از اجزای دیگر برنامه حکومت انقلابی بشمار می آیند.

دولت در عرصه سیاست خارجی، سیاست عدم تمح. و "بیطرفی فعال" بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز، مناسبات دوستی و همکاری با همه کشورهای همسایه، بخصوص همسایه بزرگ شمالی، اتحاد شوروی را اعلام نمود.

"گارد جمهوری" که ارکان سرکوب رژیم داود بود، منحل گردید. امرای ارتش تصفیه شدند. اکثر مامورین دولتی برکنار شده و ۸۰۰۰ زندانی سیاسی به آزادی دست یافتند. ۹۰۰۰ مال خانواده شاه (۱۰۰ هزار هکتار زمین، باغهای میوه و سیب و ۷۶ قسرو و یلا بلا فاصله بدون پرداخت غرامت مصادره شده و به مالکیت خلق درآمدند. برابری ملیتها، لغو قروغی دهقانان، برابری حقوق زن و مرد، اصلاحات ارضی و اقدامات مشابه، در شش ماه اول پس از انقلاب اعلام شده و پایان شرایط قرون وسطایی در افغانستان را رقم زد. ادامه دارد

درخشش انقلاب نور...

بقیه از صفحه ۸

تعمات ارضی، حاکمیت ملی و استقلال ملی کشور، دفاع قاطعانه از دستاوردهای انقلاب هفتم ثور ۱۳۵۷، خنثی ساختن و درهم شکستن نیروهای ضد انقلابی، تامین وحدت عمل همه نیروهای دمکراتیک، ملی، ترقیخواه و میهن پرست در دفاع از انقلاب، تامین امنیت، آزادی و وحدت مردم کشور. یکی از مهمترین بخشهای برنامه مذکور، از بین بردن مناسبات استعماری فئودالی و نیمه فئودالی از طریق اصلاحات ارضی، دمکراتیک بود. علاوه بر این، تقویت بخش دولتی در اقتصاد، دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی و دستگاه دولتی، تقویت ارتش بمنظور دفاع از دستاوردهای انقلاب، محو نفوذ استعمار نو و امپریالیسم و وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک، از بین بردن ستم ملی و یافتن راه حل دمکراتیک مساله ملی، تضمین برابری حقوق زن و مردم در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی، تثبیت و کنترل قیمتتها بسود زمینشان،

رویدادهای
جهانخشم مردم صلح دوست اروپا
علیه استقرار موشکهای هسته‌ای آمریکا

امسال نیز همانند سالهای قبل صد ها هزار انسان صلح دوست در اروپا راهپیماییها و آکسیونهای اعتراضی عید پاک را با شکوه و جلال خاصی برگزار کردند. در آلمان فدرال مردم صلح دوست با حمل پلاکاردها و شعارها خواهان خروج موشکهای هسته‌ای آمریکا از جمله پرتشنگ ۲ و موشکهای بالدار شدند. در برخی نقاط کشور صلح دوستان با سد کردن سرازخانه ها و مقر استقرار موشکهای هسته‌ای نفرت و انزجار خود را از سیاست جنگ افروزان آمریکا و متحدین ناتوی اشرار باز نمودند. آنها از دولت جمهوری فدرال آلمان خواستند تا موشکهای اتمی استقرار یافته را برجپند تا صلح، این نعمت طبیعی بشریت از خطر نابودی مصون بماند. در راه پیمایی های امسال عید پاک مطالبات صنفی کارگران با شعار صلح در هم گره خورد. سندیکا های کارگری با شرکت عظیم خود خواهان اجرای ۳۵ ساعت کار در هفته شدند. کارگران با دادن شعار "کار بجای موشک" خواستار تضعیف حقوق اشتغال و کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته شدند.

در شهرهای کزیمو، سیسیل و پالوم ایتالیا ده ها هزار نفر در مقابل محل های استقرار موشکهای هسته‌ای آمریکا دست به راهپیمایی زدند. در شهر اوزل اسکاتلند نیز هزاران نفر در مقابل مرکز اطلاعات و ارتش آمریکا

به تظاهرات پرداختند که گروهی از تظاهرات کنندگان توسط پلیس اسکاتلند دستگیر شدند. راهپیمایی های عید پاک باردیگر پرسشهای مردم جهان را برای تحکیم صلح و دوری جستن از سابقه تسلیحاتی نشان داد.

فراخوان کشورهای سوسیالیستی
برای حفظ صلح جهانی

وزرای امور خارجه کشورهای سوسیالیستی اروپا ابتکارات اخیر کشورهای سوسیالیستی را در رابطه با ممنوعیت کامل و عمومی کاربرد سلاحهای هسته‌ای و شیعیایی، نظامی کردن فضا، انجماد کمی و کیفی تسلیحات هسته‌ای و همچنین انصراف همه جانبه از برتری طلبی نظامی در اروپا را مجدداً بیان کردند.

کشورهای سوسیالیستی از تمامی کشورهای که تن به استقرار موشکهای هسته‌ای داده اند، خواستار شدند که به فوریت و بدون تردید گامهای جدی در جهت برجپیدن و توقف استقرار موشکهای میان برد هسته‌ای در کشورهای خود بردارند. فقط در اینصورت کشورهای سوسیالیستی اقدامات متقابل خود را لغو شده اعلام خواهند کرد.

وزرای امور خارجه کشورهای سوسیالیستی اروپا اینج اعتبار همه جانبه ای به حرکت جنبش های خود ای صلح علیه جنگ هسته‌ای قائلند.

راهپیمایی دو میلیون نفری در برزیل
برای انتخابات آزاد

حدود ۲ میلیون نفر طی یک راهپیمایی باشکوه خواستار انتخابات دموکراتیک ریاست جمهوری شدند. راهپیمایان به دعوت احزاب مخالف دولت از جمله حزب کمونیست برزیل که کماکان از آزادی فعالیت علنی محروم است در سائو پولو گرد هم آمده بودند.

بر اساس اخبار مطبوعات، حزب کمونیست برزیل در برگزاری این میتینگ تاریخی نقش فعالی داشت و پلاکاردها و پرچمهای این حزب که همه جا دیده می شد، جلای خاصی به این میتینگ می بخشید.

ژنرال فیگرو و رئیس جمهور نظامی فعلی برزیل قبل از راهپیمایی اعلام کرد با انتخابات آزاد برای ریاست جمهوری، با شرط برگزینی آن در سال ۱۹۸۸ موافق است. مردم با حضور میلیونی خود به ژنرال پاسخ "نه" دادند.

اعتراضات دانشجویان پاکستان
علیه ضیاء الحق

در تاریخ ۲۳ آوریل تظاهرات جدید دانشجویان بر علیه سیاست سرکوبگرانه حاکمیت نظامی پاکستان بر پا شد. در شهر کراچی پس از آنکه پلیس بر علیه تظاهر کنندگان وارد عمل شد، درگیریهای سختی میان دانشجویان و پلیس در گرفت. دانشجویان خواهان لغو فرمان دولت در مورد منع فعالیت اتحادیه دانشجویی شدند. مقامات حکومتی در تلاش جهت ایجاد موانع در شرکت دانشجویان در جنبش ملی برای دموکراسی میباشند. چند پیش نیز دانشجویان طی تظاهراتی سخنرانی ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان را که در شهر پیشاور برگزار شده بود برهم زدند.

درخشش انقلاب نور
بر قاریکی ها غلبه میکند

در صفحه ۸

با جمع آوری
کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

AKSARIYAT

NO. 4

FRIDAY, 27 APRIL 84

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال ۱ مارک اتریش ۸ شیلینگ
آمریکا ۵۰ سنت سوئد ۳ کرون
انگلستان ۳۰ پنس فرانسه ۳ فرانک
ایتالیا ۱۰۰ لیر هندوستان ۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید از طریق آدرس های زیرمکاتبه کنید.

آلمان فدرال
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 68158
LOS ANGELES, CA 90068
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110003
INDIA

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا